دانشگاه الزهرا (س)
دانشکده هنر
پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته ارتباط تصویری

عنوان رساله نظری:

خلاقیت در هنر و نسبت آن با هنر گرافیک

عنوان رساله عملی:

خلاقیت در طراحی حروف‌نگاری (بسم ا..)

استاد راهنمای بخش تئوری و عملی:
دکتر عفت السادات افضل طوسی

دانشجو:
محبوبه طاهری

اسفند ۱۳۹۱

کلیه دستاورهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهرا است.

فهرست

فهرست تصاویر ..... ه
چکیده .....
فصل اول کلیات پژوهش ۱
۱-۱- مقدمه ۲
۱-۲- بیان مسئله ۲
۱-۳- اهداف و ضرورت پژوهش ۳
۱-۴- سئوال پژوهش ۳
۱-۵- فرضیه پژوهش ۳
۱-۶- پیشینه پژوهش ۴
۱-۷- طراحی و روش پژوهش ۴
فصل دوم مبانی خلاقیت در نظر آراء فلاسفه ۵
خلاقیت در فلسفه ۶
۲-۱- ابداع و مبدأ هنر در عهد یونان کهن ۶
۲-۱-۱- ابداع و مبدأ هنر در نظر سقراط ۱۰
۲-۱-۲-ابداع و مبدأ هنر در نظر افلاطون ۱۱
۲-۱-۳-ابداع و مبدأ هنر در نظر ارسطو ۱۵
۲-۱-۴-ابداع و مبدأ هنر در نظر افلوطین ۱۹
۲-۱-۵-ابداع و مبدأ هنر در نظر فیثاغورث ۲۰
۲-۱-۶-ابداع و مبدأ هنر در نظر هراکلیتوس ۲۱
۲-۱-۷- ابداع و مبدأ هنر در نظر پارمنیدس ۲۱
۲-۱-۸-ابداع و مبدأ هنر در نظر امپدکلس ۲۲
۲-۱-۹-ابداع و مبدأ هنر در نظر دموکریتوس ۲۲
۲-۱-۱۰-ابداع و مبدأ هنر در نظر پینداروس ۲۳
۲-۱-۱۱-ابداع و مبدأ هنر در نظر رواقیون ۲۳
۲-۲- ابداع در نظر آراء متفکران مسیحی ۲۴
۲-۲-۱-ابداع و مبدأ هنر در قرون وسطی ۲۵
۲-۳- ابداع در نظر آراء متفکران دینی ۲۶
۲-۳-۱- ابداع و مبدأ هنر در فلسفه اسلامی ۲۷
۲-۳-۱-۱- ابداع و مبدأ هنر در نظر ابن سینا ۲۷
۲-۳-۱-۲- ابداع و مبدأ هنر در نظر خواجه نصیرالدین‌طوسی ۲۸
۲-۳-۱-۳- ابداع و مبدأ هنر در نظر امام محمد غزالی و عین القضاۀ همدانی و خواجه عبدالله انصاری ۲۸
۲-۳-۱-۴- ابداع و مبدأ هنر در نظر ابن عربی ۲۸
۲-۴- عالم خیال ۲۹
۲-۴-۱- نقش خیال در خلاقیت ۳۰
۲-۴-۱-۱- خیال چیست ۳۰
۲-۴-۱-۲- ریشه های خیال در فلسفه یونان ۳۱

۴-۲-۴-۲- خیال از منظر ابن عربی ۳۱
۱-۳-۱-۴-۲- مراتب خیال ۳۴
۵-۲- خلاقیت در نظر آراء متفکران رنسانس و مدرن ۳۷
۱-۵-۲- ابداع و مبدأ هنر در عصر رنسانس ۳۷
۲-۵-۲- ابداع و مبدأ هنر در عصر مدرن ۳۷
۱-۲-۵-۲- ابداع در نظر اسپینوزا ۳۷
۲-۲-۵-۲- ابداع در نظر فرانسیس بیکن ۳۷
۳-۲-۵-۲- ابداع در نظر هیوم ۳۸
۴-۲-۵-۲- ابداع در نظر دکارت ۳۸
۵-۲-۵-۲- ابداع در نظر کانت ۳۹
۳-۵-۲- ابداع و مبدأ هنر در عصر رمانتیک ۴۰
۱-۳-۵-۲- ابداع در نظر گوته ۴۰
۲-۳-۵-۲- خلاقیت در نظر شلینگ ۴۰
۳-۳-۵-۲- ابداع در نظر فردریش شیلر و شوپنهاور ۴۱
۴-۳-۵-۲- ابداع در نظر نیچه ۴۱
۵-۳-۵-۲- ابداع در نظر کروچه و کالینگوود و تولستوی ۴۲
۶-۳-۵-۲- ابداع در نظر اسپنسر ۴۳
۷-۳-۵-۲- ابداع در نظر هگل ۴۳
۸-۳-۵-۲- خلاقیت در نظرفروید ۴۴
۹-۳-۵-۲- ابداع در نظرمارکس ۴۵
۶-۲- خلاقیت در نظر آراء متفکران پست مدرن ۴۵
۱-۶-۲- خلاقیت در نظر هیدگر ۴۷
۲-۶-۲- خلاقیت در نظرآدورنو ۴۹
۳-۶-۲- خلاقیت در نظر هوسرل ۵۰
۴-۶-۲- ابداع در نظر گادامر ۵۱
۵-۶-۲- ابداع در نظر دریدا و جان لاک ۵۱
فصل سوم خلاقیت در روانشناسی ۵۲
۱-۳- کلیات خلاقیت در روانشناسی ۵۳
۲-۳- تعاریف خلاقیت از دیدگاه روانشناسی ۵۵
۳-۳- تعریف خلاقیت از دیدگاه روانشناسان و روانکاوان ۵۸
۱-۳-۳- نظریه فروید ۵۹
۱-۱-۳-۳- توصیف مکانیسم تصعید فروید ۵۹
۲-۳-۳- نظریه ساکس، گریناکر، هاری. ب. لوی ۶۰
۳-۳-۳- نظریه الکساندر توماس و یونگ ۶۱
۴-۳- منشا خلاقیت در روانشناسی ۶۲
۱-۴-۳- اهمیت خلاقیت در روانشناسی ۶۴
۲-۴-۳- رویکردهای مختلف درباره خلاقیت ۶۴
۳-۴-۳- ماهیت خلاقیت ۶۵
۴-۴-۳- روش شناسی خلاقیت (متدهای خلاقیت) ۶۶
۵-۳- الگوی خلاقیت در فرآیند ذهن انسان ۶۷
۱-۵-۳- فرآیند خلاقیت ۶۷

۶-۳- رویکردهای روانشناسی خلاقیت ۶۸
۷-۳- تعریف و مبانی ایده پردازی و نوآوری ۶۸
۱-۷-۳- دلالتهای نظری در مورد خلاقیت و نوآوری ۷۰
۱-۱-۷-۳- مفاهیم مترادف با نوآوری ۷۰
فصل چهارم خلاقیت در هنر ۷۲
۱-۴- تعریف خلاقیت در هنر ۷۳
۲-۴- خلاقیت در هنر اساطیری ۷۸
۱-۲-۴- خلاقیت در هنر قرون وسطی ۷۹
۲-۲-۴- خلاقیت و تقلید ۸۰
۳-۴- خلاقیت در هنر عصر نوزایی ۸۰
۴-۴- خلاقیت در هنر عصرمدرن ۸۲
۱-۴-۴- خلاقیت در شیوه کوبیسم ۸۳
۲-۴-۴- خلاقیت در فوتوریسم ۸۵
۳-۴-۴- خلاقیت در رویکرد وهمگرایانه دادائیسم ۸۶
۴-۴-۴- خلاقیت در مکتب‌های معتقد به ناخودآگاه ۸۹
۵-۴- مبانی سوبژکتیو دکارتی هنر معاصر ۹۱
۶-۴- خلاقیت در هنر پست مدرن ۹۳
۷-۴- خلاقیت در هنر معاصر ۹۵
فصل پنجم نسبت خلاقیت با هنر گرافیک ۹۶
۱-۵- نسبت خلاقیت با هنر گرافیک ۹۷
۱-۱-۵- خلاقیت در گرافیک ۹۹
۲-۱-۵- خلاقیت در تصویر پردازی گرافیک ۱۰۳
۱-۲-۱-۵- تمثیل تصویری ۱۰۳
۲-۲-۱-۵- نماد در تصویر ۱۰۵
۱-۲-۲-۱-۵- نماد در گرافیک ۱۰۷
۳-۲-۱-۵- نشانه ۱۰۹
۴-۲-۱-۵- استعاره در تصویر ۱۱۱
۲-۵- خلاقیت هنری در گرافیک قرن بیستم ۱۱۳
۱-۲-۵- نوآوری سبک آرت دکو ۱۱۴
۲-۲-۵- ویژگیهای شاخص خلاقیت در جنبش دادائیسم ۱۱۵
۳-۲-۵- ویژگیهای خلاقیت گرافیکی در جنبش سورئالیسم ۱۱۶
۴-۲-۵- خلاقیت در مدرنیسم تصویری ۱۲۰
۵-۲-۵-خلاقیت در فرم ۱۲۲
۱-۵-۲-۵- نوآوری ساختارگرایی در ترکیب ۱۲۲
۲-۵-۲-۵- خلاقیتهای فرم در سبک داستیل ۱۲۶
۶-۲-۵- خلاقیت در حروف نگاری اوایل قرن بیستم ۱۲۷
۷-۲-۵- رویکردهای خلاقیت در باهاوس ۱۳۲
۸-۲-۵- خلاقیت در دهه های اول قرن بیستم گرافیک آمریکا ۱۳۴
۳-۵- سبک طراحی حروف بین المللی ۱۳۷
۱-۳-۵- خلاقیت سبک حروف نگاری جهانی ۱۳۷
۲-۳-۵- نوآوری در مدرسه نیویورک ۱۴۰

۴-۵- خلاقیت در گرافیک مطبوعاتی ۱۴۴
۱-۴-۵- خلاقیت بصری در هویتسازی ۱۴۵
۲-۴-۵- خلاقیت در تبلیغات جهانی ۱۴۹
۳-۴-۵- خلاقیت بوسیله ناخودآگاه -سایکودلیا (عالم اوهام) ۱۵۱
۴-۴-۵- پاپ آرت (هنر مردمی) ۱۵۴
۵-۴-۵- خلاقیت در آثار گرافیکی شاعرانه اروپایی ۱۵۵
۶-۴-۵- خلاقیت بصری در پوسترهای جهان سوم ۱۵۶
۱-۶-۴-۴- طراحی گرافیک کوبا ۱۵۶
۲-۶-۴-۴-طراحی گرافیک ژاپن ۱۵۷
۷-۴-۵- پست مدرن و تأثیر التقاطی آن در خلاقیت گرافیکی ۱۵۹
۵-۵- نوآوری درگرافیک جهانی ۱۶۷
۱-۵-۵- سوپر منریسم و سوپرگرافیک ۱۶۸
۶-۵- خلاقیت هنری در گرافیک معاصر ۱۷۰
۱-۶-۵- خلاقیت در تبلیغات ۱۷۰
۲-۶-۵- فراگرد خلاقیت در تبلیغات ۱۷۱
۳-۶-۵- خلاقیت در متن و نوشتار تبلیغات ۱۷۳
۷-۵- تبلیغات زیر آستانه حسی ۱۷۳
۸-۵- فلسفه خلاقیت در گرافیک حسی ۱۷۵
فصل ششم گزارش کار عملی ۱۸۲
۱-۵- گزارش کار عملی ۱۸۳
نتیجه‌گیری ۱۸۹
فهرست منابع ۱۹۱

فهرست تصاویر

تصویر۱-۵) استفاده از ترکیب کدهای تصویری ۱۰۱
تصویر۲-۵) استفاده از همنشینی تصاویر برای بیان مفاهیم ۱۰۱
تصویر۳-۵) پوسترهای تبلیغاتی خمیر دندان SENSODYNE ۱۰۲
تصویر۴-۵) تلفیق، ترکیب و باز آفرینی برای انتقال مفاهیم در هنر گرافیک ۱۰۳
تصویر۵-۵) استفاده از نماد، تبلیغ موبایل AT&T در کشور چین ۱۰۹
تصویر۶-۵) استفاده از نماد، تبلیغ موبایل در کشور انگلیس ۱۰۹
تصویر۷-۵) استفاده از استعاره: بکارگیری اجزای نامرتبط برای بیان مفهوم ۱۱۲
تصویر۸-۵) جان هرتفیلد، پوستر ضد حذب نازی ۱۱۶
تصویر۹-۵) پوستر Tadeusz Trepkowski، Nie ۱۱۷
تصویر۱۰-۵) پوستر Tadeusz Trepkowski،Last Stage ۱۱۷
تصویر۱۱-۵) سالوادور دالی، The Great Paranoiac ۱۱۸
تصویر۱۲-۵) من ری، زن خفته ۱۱۹
تصویر۱۳-۵) تستا، تبلیغ لاستیک‌های Pirelli ۱۲۰
تصویر۱۴-۵) لوسین برنهارد، پوستر کبریت ۱۲۱
تصویر۱۵-۵) Alexander Rodtschenko ۱۲۳
تصویر۱۶-۵) Russiche Ausstellung Giclee Poster Print by El Lissitzk ۱۲۴
تصویر۱۷-۵) The Isms in Art (El Lissitzky & Hans Arp) ۱۲۵
تصویر۱۸-۵) Soviet pavilion designed by El Lissitzky, Pressa, Cologn ۱۲۵
تصویر۱۹-۵) الکساندر رودچنکو، فتومونتاژ و حروف نگاری در مجله *نوویلف* ۱۲۶
(تصویر۲۰-۵) تئو ون دسبرگ، اشعار دادائیستی در مجله داستیل ۱۲۶
تصویر۲۱-۵) تئو ون دوسبرگ، پوستر نمایشگاه ۱۲۷
تصویر۲۲-۵) Jan Tschichold, cartel ۱۲۸
تصویر۲۳-۵) اریک جیل نوآوری، در طول نابرابر در متن ۱۲۸
تصویر۲۴-۵) پیت زوارت، طراحی بروشور ۱۲۹
تصویر۲۵-۵) A Dutch film periodical cover designed by Piet Zwart ۱۲۹
تصویر۲۶-۵) پیت زورات ۱۳۰
تصویر۲۷-۵) لستر بل، طراحی صفحات عنوان یک بروشور تبلیغاتی ۱۳۱
تصویر۲۸-۵) الکسی بردویچ، روی جلد و صفحه داخلی مجله بازار ۱۳۱
تصویر۲۹-۵) Leaflet design by László Moholy-Nagy ۱۳۳
تصویر۳۰-۵)László Moholy-Nagy ۱۳۳
تصویر۳۱-۵) هربرت بایر، پوسترنمایشگاه شستمین سالگرد تولد کاندینسکی ۱۳۴
(تصویر۳۲-۵) Our Allies Need Eggs, Herbert Bayer ۱۳۵
تصویر۳۳-۵) Herbert Bayer ۱۳۵
تصویر۳۴-۵) Herbert Bayer - World Geographic Atlas ۱۳۶
تصویر۳۵-۵) نمونه سبک سوئیسی ۱۳۷
تصویر۳۶-۵) ازنست کلر، پوستر نمایشگاه ۱۳۸

(تصویر۳۷-۵) امیل رودر، ایجاد تضاد و رسیدن به استعاره‌های گرافیکی ۱۳۹
تصویر۳۸-۵) آرمین هوفمان، پوستر تئاتر شهر بازل ۱۳۹
تصویر۳۹-۵) آرمین هوفمان ۱۴۰
تصویر۴۰-۵) پل راند، Thoughts on De ۱۴۱
تصویر۴۱-۵) آلوین لاستیگ، جلد کتاب فصلی در دوزخ ۱۴۲
تصویر۴۲-۵) The Man with the Golden Arm, poster ۱۴۳
تصویر۴۳-۵) سادول باس، عناوین فیلم مردی با بازوی طلایی ۱۴۳
تصویر۴۴-۵) McCall's Magazine, Otto Storch ۱۴۴
تصویر۴۵-۵) Giovanni Pintori for the Olivetti Diaspron ۱۴۵
تصویر۴۶-۵) ویلیام گلدن، نماد تلویزیونCBS ۱۴۶
تصویر۴۷-۵) میلتون گلیزر، پوستر باب دیلان ۱۴۷
تصویر۴۸-۵) میلتون گلیزر، پوستر پاپی رکوردز ۱۴۷
تصویر۴۹-۵) میلتون گلیزر، پوستر نمایشگاه سورئالیسم و دادائیسم ۱۴۸
تصویر۵۰-۵) سیمور چواست، آگهی تغییر مکان محصولات الکترا ۱۴۸
تصویر۵۱-۵) جان برگ، جلد آلبوم صفحه موسیقی اورتور ویلیام تل ۱۴۹
تصویر۵۲-۵) برنباخ ، آگهی فولکس واگن ۱۵۰
تصویر۵۳-۵) هربرت لوبالین، نشانه انتشارات ۱۵۰
تصویر۵۴-۵) هربرت لوبالین، اکسپرسیون در صفحه‌آرایی ۱۵۱
تصویر ۵۵-۵) هربرت لوبالین، فونت ITC Avant Garde ۱۵۱
تصویر۵۶-۴) Psychedelic posters, Aquirax Uno ۱۵۲
تصویر۵۷-۴) Psychedelia poster, Apple ۱۵۲
تصویر۵۸-۵) سایکودلیا، پوستر تجسمی از عشق اثر پیتر ماکس ۱۵۳
تصویر۵۹-۵)Repinned from Music & Movie Poster Art(and other artsy stuff), Roger Castillo ۱۵۳
تصویر۶۰-۵)Psychedelic rock posters of Haight - Ashbury ۱۵۴
تصویر۶۱-۵) اندی وارهول ۱۵۵
تصویر۶۲-۵) گانتر کاسیر، پوستر جشنواره موسیقی جاز فرانکفورت ۱۵۶
تصویر۶۳-۵) النا سرانو، پوستر روز چزیک قهرمان ۱۵۷
تصویر۶۴-۵) کامکورا، پوستر المپیک توکیو یوساکو ۱۵۸
تصویر۶۵-۵) یوساکو کامکورا، پوستر محل ورزش اسکی ۱۵۸
تصویر۶۶-۵) Takenobu Igarashi ۱۵۹
تصویر۶۷-۵) زیگفرید اودرمات، آگهی یونیون ۱۶۱
تصویر۶۸-۵) Rosmarie Tissi, E.Lutz & Company ۱۶۱
تصویر۶۹-۵) ولفانگ وینگارت، ساختار شکنی در حروف نگاری و تصویر ۱۶۲
تصویر۷۰-۵) Dan Friedman, New Year's Greeting Card ۱۶۳
تصویر۷۱-۵) April Greiman ۱۶۳
تصویر۷۲-۵) کنت هربرت ۱۶۴
تصویر۷۳-۵) William-longhauser Expressive Typography, Step-by-Step Magazine cover ۱۶۴

تصویر۵-۷۴) Michael Cronin, Beethoven Festival poster ۱۶۵
تصویر۵-۷۵) Paula Sher, Great Beginnings spread for a promotional book-let ۱۶۶
تصویر۵-۷۶) لوئیس فیلی، روی جلد کتاب مسائل ورحی کی اتفاق می‌افتد ۱۶۶
تصویر۵-۷۷) جو دوفی و چالز اس. اندرسون ۱۶۷
تصویر۵-۷۸) روودی وندرلنس، حروف‌نگاری بیت مپی ۱۶۷
تصویر۵-۷۹) آپریل گریمن، روی جلد مجله آمیگره، ۱۶۸
تصویر۵-۸۰) طراحی سوپر گرافیک ۱۶۹
تصویر۵-۸۱) طراحی سوپرگرافیک ۱۶۹
تصویر۵-۸۲) لبنیات طعم دار Yoplait ۱۷۱
تصویر۵-۸۴) لوازم ورزشی Adidas ۱۷۸
تصویر۵-۸۵) حضور و در زمینه قرار مخاطب ۱۷۹
تصویر۵-۸۶) حضور مخاطب برای کامل کردن تبلیغ ۱۷۹
تصویر۵-۸۷) تبلیغ خمیردندان ۱۸۰
تصویر۵-۸۸) فراهم آوردن عناطر بصری با شرایط سه بعدی و محیطی ۱۸۱
تصویر۶-۱) طراحی حروف نگاری (بسم ا..) ۱۸۴
تصویر۶-۲) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۴
تصویر۶-۳) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۴
تصویر۶-۴) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۵
تصویر۶-۵) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۵
تصویر۶-۶) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۵
تصویر۶-۷) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۶
تصویر۶-۸) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۶
تصویر۶-۹) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۷
تصویر۶-۱۰) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۷
تصویر۶-۱۱) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۸
تصویر۶-۱۲) طراحی حروف نگاری (بسم ا...) ۱۸۸

چکیده

خلاقیت و نوآوری در گرافیک به دلیل حضور گسترده آن در ارتباطات بصری از مهم‌ترین ویژگی‌های این هنر می‌باشد. لاجرم باید خلاقیت را در دیگر حوزه‌ها از جمله فلسفه، روانشناسی و هنر نیز مورد بررسی قرار داد؛ تا بدین ترتیب با شرح ابداع در فلسفه، بنیان بررسی در دیگر حوزه‌ها هم فراهم شود. تنوعی که در رویکردهای ابداع در فلسفه وجود دارد هر کدام به جنبه‌ای از وجوه خلاقیت در روانشناسی و هنر اشاره دارد. لذا با بررسی رویکردهای ابداع در فلسفه (الهام، تقلید و محاکات، آگاهی و نامتعارفی)، شرح آن نزد فلاسفه، همچنین بررسی خلاقیت در روانشناسی و تعاریفی که روانشناسان و روانکاوان از آن ارائه داده‌اند و نیز بررسی خلاقیت و نوآوری در هنر (خصوصاً در هنر مدرن که به نوآوری شهره است)، می‌توان به مقوله خلاقیت در گرافیک و جنبه‌هایی از آثار گرافیکی که دارای وجوه خلاقانه و نوآورانه که باعث ماندگاری هستند پرداخت و عوامل مؤثر بر آن را پی‌گرفت. بر همین اساس می‌توان فرض را بر آن داشت که با شرح رویکردهای ابداع در فلسفه و جنبه‌های خلاقیت در روانشناسی و هنر، معیاری برای شناخت آثار خلاقانه بدست آید، نیز هنر گرافیک که دامنه گسترده دارد با رجوع به بنیان‌های فلسفی، روانشناسی و هنری می‌تواند به بیانی اصیل‌تر و تأثیرگذارتر نائل آید، علاوه بر این می‌توان گفت خلاقیت در این حوزه‌ها همپوشانی نسبی داشته باشد. ضرورت این پژوهش را بدین صورت بیان می‌داریم که نوآوری‌هایی که در هنر و به تبع در هنر گرافیک وجود دارد توجیه و تفسیر شود.

در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی- تطبیقی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای به بررسی ابداع در فلسفه، خلاقیت در روانشناسی و هنر و نسبت آن با هنر گرافیک پرداخته شده است.

در فصل اول کلیات پژوهش بیان خواهد شد. در فصل دوم به شرح و تفسیر ابداع از دیدگاه فلاسفه (کلاسیک، قرون وسطی، اسلام، مدرن و پست مدرن) خواهیم پرداخت. در فصل سوم نیز ویژگی‌های خلاقیت در روانشناسی و دیدگاه‌های روانشناسان و روانکاوان مطرح و همچنین شرح و توضیح نوآوری به عنوان یکی از وجوه خلاقیت بیان خواهد شد. سپس در فصل چهارم به خلاقیت و ویژگی‌های آن در هنر، همچنین شرح نوآوری و خلاقیت در سبک‌ها (خصوصاً سبک‌هایی که در هنر مدرن به عنوان نوآور تلقی می‌شوند) پرداخته می‌شود. در فصل پنجم به بررسی عوامل مؤثر در بنیان گرافیک که به عنوان عوامل خلاقیت از لحاظ عینی و ذهنی قلمداد می‌شوند، نیز به شرح و بیان خلاقیت و نوآوری (که در سه فصل قبل به عنوان شاخصه خلاقیت بیان شد) آثار و سبک‌ها از زمانی که گرافیک بطور رسمی به عنوان حرفه قلمداد شد تا عصر حاضر می‌پردازیم. در نهایت ضمن ارائه گزارشی از پروژه عملی، به بحث پیرامون نتایج این پژوهش خواهیم پرداخت.

کلید واژه:

فلسفه، هنر، روانشناسی، گرافیک، خلاقیت، ابداع

فصل اول کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

واژه خلاقیت در هنر از دوران کهن تا امروز با تعاریف گوناگونی جلوه یافته، و در هر دوره ویژگی نـوآوری در تعریف از خلاقیت محفوظ مانده است. اگر یکی از معانی خلاقیت را نوآوری قلمـداد کنـیم ظهـور سـبک‌هـای هنری و ارائه آثار در هر زمان را می‌توان امری خلاق قلمداد کرد، بدلیل آنکـه هرکـدام از آن‌هـا دسـتاوردهای نویی را در هنر ارائه می‌نمایند. خلاقیت به معنای نوآوری در هنر گرافیک جزء اساسی این هنر در عصر حاضـر تلقی می‌شود. تعریف خلاقیت در هنر گرافیک را با شرح و جایگاه ابداع یا آفرینش اثـر هنـری در فلسـفه آغـاز می‌کنیم. به دلیل آنکه جایگاه خلاقیت نزد فلاسفه با شرح ابداع در هنر، به‌طور رسمی در یونـان مطـرح شـده است و چون یونانیان از تعریف ابداع برداشت‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند که مبنای فلسـفه آفـرینش هنـری و تعریف خلاقیت در روانشناسی و هنر، در قرون بعد شده‌است؛ در مورد گرافیک نیز بست خواهیم داد. از این رو با تعریف ابداع در آراء فلاسفه (کلاسیک، قرون وسطی، اسلام، عصر مدرن و پست مدرن) به تعریف و مشـخص کردن جایگاه خلاقیت در سه حوزه روانشناسی و هنر و هنر گرافیک می‌پردازیم. همچنین طی این پژوهش، به بررسی فلسفی ابداع و فرآیندهای خلاقیت و شناخت روابط و ضوابط خلاقیت در روانشناسی و هنـر، و بررسـی پیشینه و نقش خلاقیت در ارتباط با هنرگرافیک پرداخته می‌شود. از آنجـایی کـه در تفسـیر خلاقیـت هنـری عواملی چون شناخت ذهنی و عینی دخیل هستند (شرح عوامل ذهنی خلاقیت که شامل بـداهگی، رجـوع بـه تخیل وتصور، افزایش آگاهی، کشف و شهود در عالم و انعکاس آن در هنر و...) توضیح عوامـل عینـی خلاقیـت (انواع واقعگرایی و محاکات می‌باشد)، که در نهایت به خلق ایده منتهی می‌شود، ارائـه خواهـد شـد. در پایـان، معرفی نمونه‌های خلاق آثار گرافیکی از دوره مدرن تا عصر حاضر به صورت نقـد و جایگـاه خلاقیـت آن‌هـا در هنر گرافیک به دو صورت ذهنی و عینی معرفی خواهد شـد. همچنـین بخـش عملـی ایـن پـژوهش، طراحـی حروف‌نگاری بسم الله می‌باشد (با تکیه بر وجه خلاقانه حروف در شیوه پست مدرن، با بیان و برداشت شخصـی از حروف بسم الله انجام پذیرفته است)؛ بررسی بیان شخصی و نسبت آن با هنر گرافیـک مـی‌توانـد بـه عنـوان ادامه‌ای برای این پژوهش مطرح شود.

۲-۱- بیان مسئله

با توجه به اینکه از دوران باستان تا عصر حاضر در ارتباط با خلاقیت در هنر و تعاریف مرتبط با آن از جملـه نوآوری نظریات متنوعی ارائه شده است؛ به منظور مشخص کردن جایگاه خلاقیـت و ویژگـی‌هـای آن در هنـر گرافیک، ابتدا در حوزه‌های فلسفه، روانشناسی و هنر، خلاقیت و مباحث مرتبط با آن را مورد بررسی و تطبیـق قرار می‌دهیم. از این رو موضوع پژوهش را با تعریف ابداع در فلسفه، بررسی ویژگی‌های خلاقیت در روانشناسی و هنر و تطبیق این تعاریف و ویژگی‌ها با هنر گرافیک (خصوصـاً از دوران مـدرن تـا عصـر حاضـر) بـه منظـور دستیابی به تعریف خلاقیت و نوآوری در هنر گرافیک، پی می‌گیریم.

۳-۱- اهداف و ضرورت پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که تعریف بنیان خلاقیت در فلسفه و روانشناسی و هنر است و آثار هنری ماندگار بر اساس خلاقیت هنری محقق شده‌اند. لذا ضرورت این پژوهش را از آن جهت قلمداد می‌کنیم که با بررسی ابداع در فلسفه و خلاقیت در روانشناسی و هنر در تفسیر چگونگی آفرینش هنر گرافیک به جایگاهی برسیم که هنرهای کاربردی همانند گرافیک را بر اساس آن تفسیر کنیم و نیز نوآوری‌هایی که در هنر و هنر گرافیک رخ می‌نمایند توجیه و تفسیر شود؛ پس با شرح ابداع هنری در فلسفه و خلاقیت در روانشناسی و هنر و نیز بست آن در هنر گرافیک به شناخت آثاری با ویژگی خلاقانه دست خواهیم یافت.

۴-۱- سئوال پژوهش

باتوجه به ضرورت پژوهش می‌توان سئوال این پژوهش را اینگونه بیان نمود:

- آیا تعریف ابداع نزد فلاسفه قابل تطبیق با هنر ارتباطات بصری در عصر حاضر است؟
- آیا خلاقیت در هنر معاصر خصوصاً ارتباطات بصری تابع تعریف ابداع نزد فلاسفه کلاسیک و روانشناسان در عصر مدرن است؟
- آیا خلاقیت و ویژگی‌های آن در فلسفه، روانشناسی و هنر با خلاقیت در هنر گرافیک هماهنگ و منطبق است؟

۵-۱- فرضیه پژوهش

در راستای سئوالات پژوهش، می‌توان فرض را بر آن داشت که:

- تعریف ابداع در فلسفه کلاسیک قابلیت آن را دارد که هنرهای ارتباطات بصری در عصر حاضر را نیز در بر گیرد و قابل تطبیق دهی است. همچنین می‌توان گفت هنرهای کاربردی همانند گرافیک که در دنیای ارتباطات نقشی مؤثر دارد، بتواند با رجوع به بنیان‌های فلسفی به بیان خود اصالت ببخشد و بر مخاطب خود تأثیرگذارتر واقع شود.
- خلاقیت در هنر گرافیک همپوشانی و تطابق نسبی با نظریه ابداع در فلسفه کلاسیک و رویکردهای نظری در روانشناسی عصر مدرن دارد.
- تعاریف و اوصاف خلاقیت و ویژگی‌های آن در فلسفه، روانشناسی و هنر با خلاقیت در هنر گرافیک هماهنگ است و با انعطافی که این مقوله دارد قابل تطبیق با حوزه ههای کاربردی همانند هنر گرافیک است.

۱-۶- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه‌ای این پژوهش نشان داد که اکثر پژوهش‌ها در زمینه خلاقیت مربوط بـه رشـته‌هـای علـوم تربیتی، روانشناسی، علوم اداری و مدیریت می‌باشد؛ پژوهش‌هایی که در ارتباط با خلاقیت در هنـر و گرافیـک صورت گرفته، بدین قرار است: مصدق (۱۳۷۷) در رساله کارشناسی ارشد خـود بـا عنـوان «خلاقیـت در هنـر گرافیک» علاوه بر اشاره به نقش خلاقیت و خلاصه کردن مراحل خلاقیـت، چگـونگی ایـن مراحـل را در هنـر گرافیک مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده است که، روشی منطقی و منظم در خلق آثـار گرافیـک پیشـنهاد کند. همچنین به مسئله خلاقیت در روانشناسی نیز اشاره داشته است. نیز امـین افشـار در رسـاله کارشناسـی ارشد خود با عنوان «روند خلاقیت در هنرهـای تجسـمی (طراحـی و نقاشـی)» بـه آمـوزش اصـول و فنـون و همچنین پیشنهاد تمریناتی خاص برای پرورش حساسیت‌های لازم که موجب گسترش جهان‌بینی هنرجویـان برای انجام آثار خلاقانه می‌شود، پرداخته است. اما در این پژوهش بـرآنیم تـا تعریـف خلاقیـت در حـوزه‌هـای فلسفه و روانشناسی و هنر را با خلاقیت در هنر گرافیک مورد بررسی قرار دهیم. طی مطالعه در حوزه پـژوهش حاضر، پژوهش مشابهی به رؤیت نگارنده نرسیده است.

۱-۷- طراحی و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع نظری و بنیادی مـی‌باشـد و بـه شـیوه توصـیفی- تطبیقـی و بـا روش کتابخانـه‌ای و فیش‌برداری، گردآوری اطلاعات انجام پذیرفته است. اسناد کتابخانه‌ای که مورد استفاده ایـن پـژوهش هسـتند شامل آثاری از فلاسفه که به شرح ابداع در هنر و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند، است. همچنـین آثـاری از تـاریخ هنر که خلاقیت و نوآوری و شاخصه‌های هنر خلاق (خصوصاً هنر مدرن) را بیـان کـرده باشـند. نیـز مجموعـه کتب در باب خلاقیت و ویژگی‌های آن در روانشناسی، همچنین آثاری که به شـرح هنـر گرافیـک، خلاقیـت و نوآوری در آن پرداخته باشند.

مورد بررسی این پژوهش، فلسفه، روانشناسی، تاریخ هنر و گرافیک می‌باشد.

فصل دوم مبانی خلاقیت در نظر آراء فلاسفه

خلاقیت در فلسفه

موضوع خلاقیت در فلسفه درخصوص چیستی، هستی، مرزها، روابط، چگونگی، ضرورت، نقش و کارکرد و... ابداع آثار هنری است که در تمدن‌ها و بر اساس نیاز زمان و نیز نوع نگرش فلاسفه تعریفی را از آن ارائه نموده‌اند. به نظر می‌رسد هر یک از این تعاریف با وضعیت فکری هنرمند برای ابداع اثر هنری در زمان خود هم‌خوانی دارد؛ پس ممکن است نتایجی که از تعریف خلاقیت نزد فلاسفه بدست می‌آید گاه در جهت تکمیل نگرش قبلی و گاه بر خلاف آن باشد. با این وجود این تفاوت در دیدگاه حکایت از انعطافی دارد که مقوله خلاقیت از آن برخوردار است.

واژه خلاقیت در تفکر بشر از دوران کهن تا امروز با تعاریف گوناگونی جلوه یافته است. تعریف خلاقیت با شرح جایگاه ابداع اثر هنری در تمدن ها، فلاسفه و هنرمندان صورت می‌پذیرد که این جایگاه نزد فلاسفه یونان آغاز شده است. یونانیان با تعریف هنر یعنی تخنه[1] برداشت‌هایی متفاوت را در عهد یونان عتیق و در عهد فلاسفه ارائه داده‌اند که همچنین مبنای فلسفه هنر در قرون بعد شده‌است.

۱-۲- ابداع و مبدأ هنر در عهد یونان کهن

در نخستین طلیعه تمدن یونانی، در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد در کرت، مبدأ هنر الهام و سرچشمه اثر هنری را به قوای ملکوتی و آسمانی و ایزدان نسبت می دادند. این اعتقاد سبب شد تا نیروهای فرا انسانی در ابداع هنر دخیل دانسته شوند، به نحوی که آن را از اراده انسانی خارج می‌پنداشتند و پدیده هنر امری فراانسانی و از سوی خدایان قلمداد می‌شد.

در ادوار کهن، قبل از تولد فلسفه و حتی اسطوره در یونان، آنچه اکنون در زبان‌های غربی به Art تعبیر می‌شود، مفهومی بیگانه بود. قبل از پیدایی عصر متافیزیک یونان، ماهیت ابداع و حضور تخیلی، دارای جوهر و ماهیتی دیگر بود. در آن روزگار، هنر یا همان Techne نوعاً وجهی از شناسایی و وقوف فراگیر بود و هر کس

[1] Techne

بر این ساحت احاطه می‌یافت، منزلتی قدسی و قدیس گونه داشت. چون امری بود از سوی ایزادن.(مددپور،۱۳۹۰، ج۲: ۶۸) اما بعد از این دوران، طبق تعریف ابداع هنر در نظر یونانیان، تخنه نحوی دانستن[۱] است و با شناسایی[۲] مناسبت دارد.[۳] این دانستن (علم) از طریق مشاهده یا حصول صورت شیء در عقل یا واصل شدن نفس به معنی شیء کسب نمی‌شود و از طریق استنتاج از مبادی معلوم هم به دست نمی‌آید. در تخنه همواره دانایی و پیش‌فهم و بینشی قبلی از نتیجه‌ای که باید حاصل شود وجود دارد. تخنه در درجه‌ی اول صورتی از علم است، اما علمی است که متوجه به فراآوردن (ابداع[۴]) است. اهل تخنه معمولاً چیزی را ابداع می‌کنند، اما مسئله‌ی مهم این است که ابداع و فرا آوری آن‌ها مبتنی است بر علم و دانستگی قبلی. بر این اساس کلمه تخنه بر نحوه‌ای از علم و دانستن دلالت دارد. دانستن در عام‌ترین معانی کلمه دیدن، به دیدار آمدن است، یعنی ادراک آنچه به حضور آمده است.(ریختگران،۱۳۸۰: ۲۱) بدین ترتیب هنر به معنی اخص کلمه از دقت شروع می‌شود یعنی از انتقال ابهام به خطوط مشخص.(رید، ۱۳۸۸: ۳۱) و ظهور این ابهام همان ایجاد دانستن می‌باشد. در تفکر یونانیان ماهیت دانستن مشتمل بر الثیا[۵] (حقیقت)، یعنی کشف حجاب از موجودات (اشیا) است. در واقع تخنه با حقیقت، معنای نامستوری و کشف حجاب Aletheia ملازمه دارد، یعنی در آن ظهور و نامستوریی دست می‌دهد و حقیقت تحقق می‌یابد.

همه‌ی هنرها را از آن جهت که به ظهور حقیقت، یعنی نامستور شدن و پدید آمدن اشیا امکان تحقق می‌دهد، ابداع می‌خواندند زیرا هنر است که به بی‌واسطه‌ترین صورت ممکن، وجود، یعنی پدیداری و نامستوریی که فی‌نفسه به ظهور آمده را به موقعیتی آورده و آن را در چیزی حاضر نمایان می‌سازد، یعنی هنرمند حقیقت را در اثر هنری استقرار می‌بخشد. اثر هنری صرفاً از آن جهت که روی آن کار شده و ساخته و پرداخته شده اثر هنری نیست، بلکه صرفاً از آن جهت اثری هنری است که وجود را در یک شیء (موجود) متحقق می‌سازد.(An litroduction to Metaphysics, p. 159) همچنین یونانیان از آن جهت به هنر نیز تخنه گفته‌اند که هنر جلوه‌ی وجود، یعنی حقیقت به معنای ظهور و ناپوشیدگی و کشف حجاب را در اثر متحقق می‌سازد.[۶]

همچنین در نظر یونانیان طبیعت نیز قوه‌ای ابداع‌کننده است. در نظر آن‌ها ابداع به هیچ وجه محدود به فعل آدمی نیست:(ریختگران،۱۳۸۰: ۲۹) این طور نیست که فقط مصنوعات دست‌ساز و فقط به نمود آوردن هنری و شعری و متجسم‌سازی (تمثال‌سازی، پیکرتراشی) ملموس و واقعی، فرا آوری باشد ، طبیعت- یعنی بر دمیدن چیزی از خود- نیز فرا آوری است. در واقع، طبیعت به بالاترین وجه ابداع است، زیرا آنچه به وسیله‌ی

---

[1] Knowing
[2] Episteme
[3] Martin Heidegger, an Introductio to Metaphysics, R. Manheim (trans.), Yale University Press, 1987, p: 159.
[4] Poiesis
[5] Aletheia
[6] Martin Heidegger, an Introductio to Metaphysics, R. Manheim (trans.), Yale University Press, 1987, p: 159.

طبیعت به حضور می‌آید، واجد همان حیثیت باز شدن (شکفتن) چیزی از خود، مثل شکفتن یک غنچه است که خود به فرا آور تعلق دارد.[1] در حقیقت در ساحت ابداع که یونانیان از آن با لفظ پوئیسیس یاد می‌کردند، انسان با عالمی درونی سروکار پیدا می‌کند که ورای محسوسات قرار دارد و هنرمند با تعالی حوزه‌های هنری و اساطیری و در سایه خیال خویش به سرچشمه‌های ابداع دست خواهد یافت.(مددپور،۱۳۹۰، ج۲: ۱۸۹) یعنی رسیدن به ابداع هنری از سوی هنرمند با الهام محقق می‌شود.

در راستای مکاشفه و الهام به هنرمند برای رسیدن به ابداع و نیز به دلیل آنکه خیال، مکاشفه و تخیل حضوری، در بنیاد هنر و اسطوره یونانی است؛ در ایلیاد هومر آمده است که شاعران به منظور الهام گرفتن از مظاهر هستی، به داخل کوه، جنگل، چشمه و دشت می‌رفتند تا از نومف‌ها الهام بگیرند؛ از این لحاظ خیال و مکاشفه و تخیل حضوری، بنیاد هنر و اسطوره یونانی است.(همان: ۷۴) هنرمندان به ندای الهگان گوش فرا می‌دادند و یا از آنان در روایت شاعرانه خود استمداد می‌جستند. از این رو هنرمند در لحظه الهام، از خود بی خود می‌شد و از ساحت خودآگاهی، به آستانه جذبه و بیخودی سیر می‌کرد. به همین اعتبار هنر، فعالیتی ناسوتی و تجربه‌ای حسی و استتیکی نبود بلکه در اصل در نظر مردمان آن عصر، سیری لاهوتی داشت. همانگونه که افلاطون به نقل از سقراط در *فایدروس* یادآور شده‌است: «آدمیان بزرگترین نعمت‌ها را در پرتو دیوانگی بدست می‌آورند، مراد آن دیوانگی است که بخشش الهی است.»(افلاطون،۱۳۸۰: ۱۲۳۲) در حقیقت هنرمند، جز با شور و شوق و وجد و سرمستی، که به زبان یونانی از آن با نام اکستاسیس[2] یاد می‌کردند، و مراد از آن، گذشتن از خودآگاهی و تجربه همگانی متعارف بود، نمی‌توانستند با سرچشمه‌های ملکوتی پیوند یابد. در بینش اساطیری، میان قوای قدسی و تفکر، پیوندی گسست ناپذیر جود داشت و آنچه تخنه به معنای هنر نامیده می‌شد، در سایه الهام معنوی و مینوی پدیدار می‌گشت.

هنر عهد عتیق، بیشتر دارای ماهیتی دینی، اساطیری و نیایشی بود تا با مفاهیم زیبایی شناسی یا تقلید و محاکات یا ابداع صوری و نمایشی و تشبیه یا مانند آن‌ها، در فلسفه نسبتی داشته باشد. بنابراین واژه تخنه یونانی، در آغاز به هیچ روی به معنای هنر و صنعت، به تعبیر امروزی، که به آرت و تکنولوژی تعبیر می‌شود نبود؛ بلکه صورتی از آگاهی و دانایی به کار می‌رفت. افزون بر این، از طریق دانایی هنری در پرتو انکشاف، پرده برگرفتن از حقیقت Aletheia وجود اشیا، امکان‌پذیر بود. بدین اعتبار، در نظر یونانیان اساطیری، دانایی معطوف به انکشاف وجود بود و تخنه، به مثابه نحوی دانایی، عبارت بود از انکشاف وجود و از پرده درآمدن آن، از حجاب.(Heidegger, 1971:97-98) ابداع، الهامی دانسته می‌شد که رونگاشتی از آثار خدایان باشد. محاکات آثار خدایان، در تفکر هنری میتولوژیک، تکرار ابدی چرخ روزگال نیست بلکه سیر در دایره‌ای است که کمالات انسانی، با سیر در آن متحقق می‌شود. در حقیقت، هنرمندان اساطیری با این محاکات، همه چیز را در آسمان می‌جوید.(مددپور،۱۳۹۰، ج۲: ۳۸)

[1] The Question Concerning Technology, p. 293
[2] Ekstasis

می‌توان اظهار داشت: یونانیان کهن، وقتی واژه تخنه را بکار می‌بردند، مراد آنها برملا ساختن و آشکار گرداندن و به ظهور آمدن بوده است. از نظر ریشه شناسی الفاظ Etimology، لفظ تخنه و تیکتو، هر دو از ریشه واحد یعنی Tec برگرفته شده‌اند. از آغاز تفکر یونانی تا دوران متافیزیک و افلاطون، تخنه همواره با اپیستمه[1] بستگی داشت و هر دو لفظ، با دانایی و علم یقین پیوند داشتند. تخنه در حقیقت، به معنای آشکارکردن چیزی ناپیدا، استعمال می‌شد. ابداع و پوئیسیس از همین اصل آمده است که در زبان فارسی جدید به معنی نوآوری تعبیر می‌شود البته معنی صحیح آن به پیدایی آوردن امر نهانی است. پوئیسیس مانند تخنه، به معنی ساختن و درست کردن و به هم پیوستن نیز آمده است. تخنه با توجه به معنی پوئیسیس، با وجهی از دانایی، که فراتر و ماوراء امور محسوس می‌رود، رابطه پیدا می کند. از اینجا تخنه کهن ماقبل سقراطی، با مفهوم استتوس Aesthetic یعنی زیبایی شناسی، که به نحوی تجربه حسی زیبایی تعلق دارد، نسبتی ندارد، و به وجهی از انکشاف وجود یا حقیقت Aletheia دلالت می‌کند.(همان: ۷۰)

نیز در یونان عهد عتیق، هنر از امری هنری سرچشمه نمی‌گرفت، بلکه از امر قدسی و فوق هنری بر می‌آمد و تجلی می‌کرد.(Heidegger, 1977:113-114) هنر در آن دوره کوتاه ولی باشکوه، که نام ساده بی‌پیرایه تخنه را حمل می‌کرد، انکشافی بود که به پیدایی می‌آورد، ابداع می‌کرد، حضور می‌بخشید، و به همین دلیل به ساحت پوئیسیس Poiesis تعلق داشت.(همان: ۹)

یونانیان میتولوژیک پیش از افلاطون و اندیشه اولیه متافیزیک یونان، به الهام کاهنانه و شاعرانه به طور قطع و یقین باور داشتند، چنان که به وحی و الهام، به هرمس، پیامبر شبه خدا، که پیام‌های خدایی را در حد فهم مردمان متنزل می‌کرد و به این جهان می‌آورد. یونانیان کهن از قدسیان و جاویدانان و الهگانی یاد می‌کردند، به نام موز Muse، که دختران خاطره ازلی[2] بودند و سبب پیدایی الهام شاعرانه و هنرمندانه می‌شدند.(مددپور،۱۳۹۰، ج۲: ۲۲)

منشأ هنر در آن دوران به خیال و رمز خیالی و سمبولیک می‌پیوندد، و تکیه‌اش بر احساس و شهود و مکاشفه است. یکی از مهمترین دریافت‌های یونانیان کهن در مورد هنر، تمثیل آفرینش است. یونانیان، هنرمندان را به آفرینندگان[3] تشبیه می‌کرند. آنها برای نخستین بار، وجهی از رویکرد کلامی و میتولوژیک هنر را که ریشه در دریافت اساطیری آن دوران داشت، وارد بحث هنر و هنرمندی نمودند.(همان: ۹۸ و۱۰) در ارتباط با این رویکرد پیش از سقراط و افلاطون، هیچ اندیشمندی به نحو منطقی و مفهومی، با معیارهای مابعدالطبیعه و متافیزیک، به شرح و توضیح آن نپرداخته بودند.

---

[1] اپیستمه Episteme معرفتی که اشاره به ذات دارد و تعلق تخنه که به فعالیت هنری اطلاق می‌شود، است. فیلسوفان قبل از افلاطون Episteme را به منظور تأمل و تفکر در باب هستی قلمداد می‌کرند. افلاطون و ارسطو از اپیستمه به عنوان یکی از سه معرفت بشری یاد می‌کنند که همان معرفت نظری است. (ضیمران، ۱۳۸۴: ۹۷)

[2] Mnemosyne

[3] Demiurgos